

پیش بینی اشغال افغانستان از سوی شوروی: سند اجتماع استخباراتی

یا

(داستان کودتاها در افغانستان: از کودتای 26 سرطان تا کودتای ثورو کودتاهای بعدی...)

قسمت-5

برگردان: خلیل

مسکو در پی تیم جدید

با بدتر شدن وضعیت در افغانستان در طی تابستان 1979، استخبارات ایالات متحده علامات گوناگونی را دریافت نمودند که شوروی ها در جستجوی بدیل هائی برای رژیم تره کی- امین بودند. مقامات شوروی سعی نمی کردند تا نارضاایتی توام با نا توانی شان را برای مهار کردن رژیم برای عقب گرد از اقدامات تند روانه اجتماعی و اقتصادی ای که باعث خشمگین (مشتعل) شدن گروههای قبیلوی و اسلامی می شود را پنهان نمایند. طی گفت و شنودها با مقامات سفارت امریکا و سایر اعضای هیئت دیپلماتیک بین المللی در کابل، سفرانچوک واضح ساخت که مسکو در جستجوی راهی است تا تره کی و امین- بخصوص امین- را تعویض نماید. مطابق ارزیابی های مختلف، سفرانچوک ابراز داشت که شوروی ها از ناتوانی شان در تشویق رژیم افغان برای ایجاد یک ائتلافی با وارد نمودن نمایندگان گروههای متنوع در حکومت که از حمایت قوی برخوردار باشد، درمانده شده اند. سایر مقامات شوروی نیز عین موضع گیری را داشتند.



حفیظ الله امین (عکس تزئینی)

در نیمه- جولای، سفیر آلمان شرق در کابل به دیپلمات های امریکا گفت که میل شدید شوروی ها برای تعویض رژیم افغان بعدی بود که آنها در صورت لزوم خواهان استفاده از زور بودند. سایر منابع گفتند مسکو تصاحب قدرت را توسط افسران نظامی مخالف امین پلان کرده بود. گزارش های متعددی وجود داشتند که اعضای تبعید شده جناح پرچم در اروپای شرقی ادعا داشتند که شوروی ها قول داده اند که آنها را به قدرت برگردانند. تحلیل گران استخباراتی گزینه "تصرف قدرت از راه نظامی" را به شکل بیشتزینه احتمال می دیده، معتقد بودند که مسکو شاید دلیلی نداشته باشد تا متوقع باشد که مبنای حمایت برای حکومت کارمل بایست وسیع تر از حکومت جناح تره کی- امین باشد.⁵⁷

عین روایات در مطبوعات به چشم می خوردند. یک مقاله نیویارک تایمز به تاریخ 2 آگست حاکی بود که شوروی ها در جستجوی بدیلی برای رژیم تره کی- امین بودند، و ظاهراً به ارتش به حیث یک منبع برای تصرف قدرت عطف توجه داشتند. مقاله تایمز بیان میداشت که امین به حیث یک "انقلابی متعصب" محسوب می شد که قدرت اصلی در افغانستان، و کسی بود که با وجود تشویق شوروی برای جلو رفتن با احتیاط بیشتر، به پالیسی های اصلاحی آشوب انگیزش ادامه میداد. میزان توجه بسیار جدی (بلند) ی که به این دیدگاه شوروی داده شده بود، سفارت امریکا در کابل را در ماه جولای بر آن داشت تا (بگوید) که مسکو درگیر یک نوع مساعی محاسبه شده برای ملایم کردن عکس العمل در برابر حضور روزافزون شوروی و برای تخفیف دادن عکس العمل در صورتی بود که واژگون سازی نهایتاً بدست آید. هدف دیگری که در این گزارش سفارت ذکر شده می تواند این باشد تا فشارها را بر تره کی و امین برای معتدل کردن پالیسی های انقلابی شان بلند ببرد.⁵⁸

هر علتی که برای سطح بلند سروصداها وجود داشت، تره کی وامین واضحاً به این قول چسبیده بودند که شوروی ها از کوشش تعویض آنها صرف نظر کرده اند. در اواخر جولای، تحلیل گران استخباراتی ایالات متحده یک تجدید سازمان را در کابینه افغان مشاهده کردند، که به مثابه یک حرکتی از سوی تره کی وامین برای پیش دستی از ترس تصرف قدرت با تضمین (میانجی گری؟) - شوروی توسط افسران نظامی ناراضی بود. امین مقام (پست) وزارت دفاع را بازپس گرفت، امری که تحلیل گران به عنوان یک حرکتی توصیف کردند برای بهبود موقعیت مناسب برای شناسائی کردن جولوگیری از هرگونه کودتا از درون ارتش بود. این تعبیر همچنان در مطبوعات غربی نیز مشاهده شد. به قول تحلیل گران استخباراتی، وطنجراکه "از شمار گزارش شده های پلان" برای جایگزینی یک حکومت جدید بود، و دوباره به وزرات داخله فرستاده شده، باعث عمیق تر شدن ضدیتش با امین گردید (شاید امین نه توانست او را حبس کند یا بکشد.خ).⁵⁹

رویارویی ها حدت می یابند

در عین زمان، در آغاز ماه جولای، شوروی ها با نخستین حرکت معلوم یک واحد جنگی شان بداخل افغانستان از یک مرز (حدود) دیگر عبور کردند: یک گردان (کنندک؟) هوابرد در میدان هوایی بگرام در نزدیکی کابل مستقر گردید. بگرام از قبل، با رفت و آمد ترانسپورت هوایی شوروی حاوی تدارکات سلاح و تجهیزات نظامی اساساً به پایگاه اصلی عملیاتی شوروی در افغانستان میدل شده بود. تحلیل گران استخباراتی به این نتیجه رسیدند که این عساکر جنگی برای فراهم نمودن مسئولیت واحد های ترانسپورت هوایی به بگرام فرستاده شده بودند، و اینکه قصد آن نبود تا آنها را به عملیات جنگی در سایر نقاط افغانستان توظیف کنند.⁶⁰



تورن امیر اسماعیل خان یکی از فرماندهان جهادی در آن سالها (عکس جدید و ترئینی است)

حملات شورشیان در سرتاسر ماه جولای بطور پیوسته و باثبات افزایش یافته، و قلمرو افغانستان در تحت کنترل حکومت به کاهش ادامه داد. تمرد و طغیان در تمام سطوح ارتش در گسترش بود، و شورشیان در طی تهاجم شان اسلحه و مهمات ارتش را غنیمت می کردند. راه ها قطع و ارتش افغان بطور روز افزونی متکی به تدارکات از طریق هوایی بود، به شمول هلی کوپتر های ترا نسپورتی. رژیم هنوز شهر ها را در دست داشت، اما شورشیان بوم ویر (برون شهر) کشور را در اختیار داشتند. مطبوعات از مقامات ایالات متحده اقتباس کردند که گفته بودند جنگ داخلی در افغانستان ساحات تحت کنترل حکومت را به 25 درصد کشور تقلیل داد. و، طوریکه قبلاً در هرات آشکار شد، حتی در کنترل داشتن شهر های مهم هم وابسته به توانمندی رژیم در استقرار (نیروهای) دفاعی و امنیتی از سوی قدرت مرکزی در کابل بود. واحدهای ارتش افغان با استفاده از تسلیحات تامین کرده - شوروی، هنوز می توانستند دست به چنین تحرکاتی در سرتاسر (بوم ویر) برون شهر های کشور بزنند، اما نمی توانستند مناطق و قطعات قلمرو های مهم در بیرون شهر های کلیدی را حفظ نمایند.

با وجود دخالت افزایش یافته ی پرسونل شوروی در رهنمائی عملیات جنگی افغان و لوجستیک این بدتر شدن (وضعیت) ادامه داشت. ظاهراً (طبق گزارشات) نقش شورویها از مصلحت اندیشی (مشوره) به سهم گیری فعال در تنوع وسیع عملیات با واحدهای در حد هنگ و گردان گسترش یافته بود. معلومات جدید استخباراتی گزارشات اخیر را تقویت نمودند که پیلوت های هلی کوپتر شوروی یکجا با کمک پیلوتی افغانها (یا برعکس) در طی حملات روی موقعیت های شورشیان پرواز میکردند. گزارشات اضافی از رانندگی تانک ها توسط شوروی ها در طی وظایف نظامی وجود داشتند.

دخالت رو به افزایش شوروی در افغانستان و مقاومت گسترده در برابر رژیم- تحت الحمایه/شوروی - تو ام با امتناع های مسکو در وقتی که واشنگتن راجع به به مخاطره افتیدن روابط ایالات متحده- شوروی اخطار داد- باعث تجویز فوری یک نوع صلاحیت قانونی مقدماتی ریاست جمهوری (رسماً به نام "تشخیص/دریافت") برای حمایت مخفی به شورشیان افغان گردید. کمک مخفی با فعالیت های پروپاگندی در حمایت از داعیه شورشیان مساعدت کرده، و کمک های طبی و سایر تدارکات غیر- نظامی را فراهم می نمود. ارسال کمک (مخفی) از طریق "کشور سومی"، عمدتاً پاکستان، تنظیم شده بود. بریزنسکی مشاور امنیت ملی همچنان به رئیس جمهور پیشنهاد کرد که ایالات متحده پشتیبانی بیشتر علنی از "همدلی" برای نیرو های "آزاد سازی" (یا به قول خودشان: Freedom Fighters) افغان را روی دست گیرد. او همچنان در گفتگوی مؤرخ 23 جولای با

رئیس جمهوری دورنمائی را برجسته ساخت که شوروی ها شاید تلاش نمایند تا حکومت فعلی، که تاکتیک هایش برای اهداف مسکو غیر سازنده ثابت شده بودند، را خلع کنند. رئیس جمهور هدایت داد که کاری برای در مرکز افکار عامه قرار دادن موضوع باید انجام داده شود.⁶²

یکی از نتایج ملموس این اقدام عبارت از یک سخنرانی از سوی بریژنسکی به تاریخ 2 اگست بود که نیویارک تامیز آن را در طی مقاله ای تحت عنوان "ایالات متحده بطور غیر مستقیم روسها را تحت فشار قرار میدهد تا به مداخله در افغانستان خاتمه بخشند" گزارش کرد. سخنرانی بریژنسکی که - "دوراندیشی" ایالات متحده با در نظر داشت ایران را بیان نموده و تصریح می کرد توقع این بود که سایرین باید "از دخالت و تلاش برای تحمیل آموزه های بیگانه بر مردمی عمیقاً مذهبی و از نگاه ملی ذی شعور اجتناب کنند" - از اتحاد شوروی یا افغانستان صریحاً نام نمی برد. با اینکه، مقاله حاکی بود که، یک "مقام ایالات متحده" "بطور خصوصی" واضح ساخت که این سخنرانی بخصوص به تهدید دخالت شوروی در افغانستان هدف گیری شده بود، جائیکه حکومت تحت حمایت- شوروی در اثر رو برو شدن با مخالفت گسترده اسلامی و شورش قبایلی در شرف سقوط بود. این مقاله همچنان توضیح نمود که "استخبارات غربی" از (موجودیت) "چندین صد ... مشاورین مسلح شوروی در یک پایگاه هوایی [بگرام] در شمال کابل گزارش داده اند"، و اظهار میداشت که "اظهارات آقای بریژنسکی همانا به مقصد همچون هشدار ی علیه گرفتاری عمیق تر [شوروی] بود".⁶³

سه روز بعد، به تاریخ 5 اگست، تمردی در یک گارنیزین افغان در بالاحصار، واقع در حومه های کابل، بروز نمود. یک گروهی از افسران کنترل مرکز مجتمع گارنیزین را بدست گرفته، و یک تشکیلی از تانک ها و نفربرهای زرهی را ترتیب داده، و به سوی قصر ریاست جمهوری در کابل رهسپار گردیدند. این حرکت در ظرف ساعاتی از سوی نیروهای بسیار بزرگ ممتاز وفادار به حکومت در ارتش افغان با استفاده از تانک ها و هلی کوپترهای توپ دار سرکوب شد.

سفارت ایالات متحده این حادثه را از جمله خطرناکترین چالش هائی خواند که حکومت افغان تا کنون بدان مواجه شده بود. هر چند رژیم نشان داد که هنوز هم قوت آن را دارد که از امن و امان شهر هایش دفاع نماید، این تمرد یکی از ضعف های اساسی رژیم را برملا ساخت: یعنی بدتر شدن وفاداری واحد های مرتب و منظم ارتش. از نقطه نظر سفارت (امریکا)، این حادثه حکایت گر معضلات رو به افزایش رژیم افغان و مرشد (پیش کسوت) اش شوروی بود. ارزیابی های مطبوعات غربی این تمرد را به حیث خطرناک ترین برخورد بعد از سرنگونی داوود در شانزده ماه قبل توصیف کردند. این مطبوعات همچنان گزارش دادند که، با اینکه رژیم این شورش را به سرعت و به وضوح فرو نشانید، حکومت ایالات متحده بقدر کافی روی وضعیت در کابل نگران بود که به تقلیل پرسونل سفارتش در آنجا آغاز کرد.⁶⁴

در درون حلقات استخباراتی ایالات متحده، یک میمورندم (اطلاعیه) داخلی به افسر امور استخبارات ملی هشدار باش⁶⁵ ارایه شد، این نظر را پیشکش میکرد که آخرین تمرد دور نما را برای مداخله مستقیم نظامی شوروی افزایش داده است. این سند خاطر نشان می ساخت که آخرین ارزیابی های استخباراتی از قبل نتیجه گیری کرده بودند که رژیم افغان در یک وضعیت دفاع دژی (قلعه) رانده شده است. ارتش افغان دیوارهای این دژ را تشکیل میدادند، و تمرد بالاحصار نشان داد که در دیوار های دژ درز (شگاف) های عمیقی ایجاد شده اند. شوروی ها کنون با این احتمال مواجه بودند ارتش که آنها برایش کمک تأمین میکردند شاید متلاشی شود. اطلاعیه می گفت که این کارشوروی ها را وادار می کند تا ترجیحاً بدیل ها و قیمت (احتمالی) یک تصرف متکی بر (تقبل) بار مسئولیت عملیات ضد شورشگری با استقرار نیروهای خودشان نسبت به قبول عواقب تصرف قدرت از سوی شورشیان در کابل را بررسی نمایند.



خلیفه الله امین معاون صدراعظم و وزیر امور خارجه پاکستان پنجابری وزیر تعلیم و تربیه درجائیکه زینیل مدافع امیران راه نرسن سکه تملای بر نهادهای مطیع عملی گفته.

بدون شرح (ترژینی)

عکس العمل های شوروی - تعبیر های ایالات متحده

دیدگاه بالا وقتی تقویت شد که، به تاریخ 17 اگست، یک هیئات عالیرتبه نظامی شوروی متشکل از 13 جنرال و 6 دگروال به کابل مواصلت نمود. برعکس گروه افسران فرستاده شده به کابل در بعد از شورش هرات در ماه اپریل، این هیئات از "جنرال های سیاسی" درگیر "دیدگاههای ایدئولوژیک" ترکیب نه شده بودند. این هیئات از سوی جنرال ای. ج. پاولوسکی معاون رئیس ستاد کل شوروی و فرمانده نیروهای زمینی شوروی رهبری شده، و متشکل از افسران مسئول پلان گذاری و هدایت عملیات نظامی بود. این حقیقت که این هیئات در بعد از کمتر از دو هفته از شورش بالا حصار فرستاده شده بود، ارزیابی های استخباراتی را بدان جا کشانید گزارش بدهند که هدف عمده این هیئات احتمالاً آن بود تا یک رسیدگی از نزدیک (خاص) را از وضعیت نظامی و شرایط عملیاتی در پیامد شورش بالا حصار انجام بدهند. و مقام (مرتبه) و ترکیب هیئات تحلیل گران استخباراتی را بدان داشت تا نظر بدهند که مسکو مصروف تفکر و تعمق یک تصمیم مهم راجع به سطح و شکل حمایت نظامی در سطح - میدان عملیات رزمی است که خواهان ارایه آن رژیم تره کی بود.⁶⁶ (بعضی تحلیل گران نه توانستند پیوند دادن این امر با اهمیت رابه این حقیقت تعمیم بدهند که پاولوسکی واحد های ارتش شوروی را در چکو سلواکیا در اگست سال 1968 رهبری می کرد. (خاطره: این قلم وقتی در سال 1360 مصروف خدمت عسکری در مقر وزارت دفاع در قصر در الامان بودم، پاولوسکی سرمشاور شوروی در وزارت دفاع افغانستان و منازل دوم و سوم جناح غربی قصر مقر سرمشاوریت شوروی بود. پاولوسکی هر روز طبق معمول با یک موتر بنزطلانی و یک موتر والگای بادیگارد به سرکاری آمد. یک روز حین آمدنش با سلاح یک سلامی جانانه کردم. بسیار خرسند شده و بزبان روسی گفت: مله دیس! من که زبان روسی بلد نبودم، و چیزی ازین گفته نه فهمیدم، "برای تکرار امر" آن را تکرار نمودم: مله دیس! خیلی خندید. بعد ازش تقاضا کردم تا برای کاری مرا به دفترش اجازه ورود بدهد. قبول کرد و بدفترش رفتم. مشکل این بود: محل مسکونی ما در اطراف در مجاورت تیر رس پادگان نظامی ارتش سرخ قرار داشت که "مجاهدین سربیه کف" بگان باری باقیهای بی معنی سلاح خفیه باعث تهیج سربازان شوروی شده و آنها بالمقابل محلاتی که از آن فیر شده بود را مورد حملات با سلاح ثقیله و خفیه قرار میدادند، بالاثر در دیوارها تخریب شده و حتی درختان مثمر و غیر مثمر قطع می شدند. از جنرال خواهش کردم که اگر هدایتی برای پادگان مربوط بدهد تا از خسارات و تلفات جلوگیری شود. از من پرسید فعلاً نیز فامیلت در همان محل زندگی میکند؟ گفتم نخیر. گفت: اگر فامیلت در آنجا هست، همین حالا به هلی کوپترها هدایت میدهم همراهت رفته و فامیلت را به هر نقطه که می خواهی منتقل نمایند. اما تخریب، اجتناب ناپذیر است. ولی امید وارم پسان تر مجدداً جورشان کنیم؟! (خ)

تقریباً در زمان ترمرد بالا حصار، استخبارات ایالات متحده نتیجه گیری نمودند که شوروی ها از مساعی شان برای تعویض تره ک و امین دست کشیده اند. با عدم موفقیت در تلاش شان برای ایجاد یک ائتلاف افغان برای پیشکش یک چیزی بهتری، چنان می نمود که تصمیم گرفته اند تا برکمک ها و مشاورین مورد نیاز عطف توجه نمایند که برای بقای رژیم موجود ممد واقع شود. هر چند، اگر شوروی ها قرار بود این سرمایه گذاری را نمایند، احتمال میرفت آنها به یک مقدار خاطر جمعی از سوی ارتش افغان در مورد جلب و احضار و همبستگی صفوفش اش و تعهد (الزام)ش برای دست زدن به تعرض علیه شورشگری نیاز داشتند. و در دورنمای بلا تکلیفی در این مورد، بعضی تحلیل گران تصور میکردند که بخشی از ماموریت هیئات پاولوسکی عبارت از ارزیابی به گردن گرفتن امکانات بکارگیری نیروهای نظامی شوروی در امر خرد و خمیر کردن یاغیگری بود.⁶⁷

معهدا، یک هفته بعد از رسیدن هیئات به کابل؛ سی. آی. ای. گزارش داد که اکثریت تحلیل گرانش "به این برداشت ادامه میدهند که در هم برهم شدن وضعیت حاکی از نوعی (شگون بدی) برای بالا گرفتن دخالت نظامی شوروی در شکل یک نقش مستقیم جنگی نیست".⁶⁸

ارزیابی های سفارت ایالات متحده در کابل در اوایل سپتمبر عین نظرات را ابراز می‌داشت. این سفارت گزارش داد که یک مقصود "احتمالی" ماموریت پاولوسکی عبارت از هموار کردن زمینه برای دخالت نظامی شوروی بود، در صورت پیش آمدی که مسکو تصمیم بگیرد این کار ضروریست. یک تلگرام سفارتی نتیجه گیری می‌کرد که "در یک مرحله خون ریزی پیدا کردن نیروی انسانی (رژیم) خلق [بخاطر مرگ، فرار از خدمت، و تغییر جهت دادن] اتحاد جماهیر شوروی را ملزم می‌سازد تا تصمیم بگیرد آیا (وقت آن نرسیده تا) واحد های جنگی خودش را اختصاص بدهد". تلگرام خاطر نشان می‌کند که "تعداد کافی تانکیستهای افغان موجود نبودند تا نیازمندی تعداد زیاد نفرات ضرورت تعداد زیاد تانکهای را پر نمایند که از سوی اتحاد جماهیر شوروی تحویل داده می‌شدند"، و اینکه در یک مقطعی رژیم تره کی- امین شاید احساس نمایند که ناگزیرند تا کمک عساکر شوروی را تقاضا نمایند.⁶⁹

سفارت همچنان گزارش داد که تعداد زیادی دیپلماتها در کابل احتمال این که مسکو شاید احساس نماید تا برای حفظ انقلاب عساکر (خودش) را وارد نماید، را غیر محتمل نمی‌دانستند. این مقامات معتقد بودند که، در یک چنین حالتی، دخالت اولی محدود- شاید به یک نیروی هوایی خاص برای حفاظت کردن از تأسیسات رهائشی شوروی- مختص باشد، اما، همین که اینجا آمدند، مسئولیت عساکر احتمالاً گسترش خواهند یافت. سایر دیپلمات ها معتقد بودند شوروی ها از حمایت جنگی خود داری خواهند کرد با این عقیده که آنها می‌توانند "با تقریباً هر آن رژیم جایگزین داد و ستد نمایند". نظر خود سفارت عبارت از این بود که "تا هنوز زمان برای التماس خلق برای کمک نرسیده است- نه هم تا کنون شواهد استواری وجود داشتند که اتحاد جماهیر شوروی دارد خودش را برای یک دخالت مسلحانه موازنه می‌نماید. بالاتر دید، اتحاد جماهیر شوروی ... داشت پلان ها برای رویدادهای پیش بینی نشده و بسیج سازی اش را آماده می‌کرد".⁷⁰

یک ارزیابی کمی بیشتر تأسف انگیز و کمتر نامشخص در نیویارک تایمز به تاریخ 6 سپتمبر به نظر رسید. با استناد به "منابع دیپلماتیک" این ارزیابی مشعر بود که نا توانی شوروی ها در یافتن یک راه حل سیاسی آنان را به سوی مداخله مستقیم نظامی می‌کشاند. مقاله به شرح و توصیف تعداد رو به افزایش پرسونل نظامی شوروی در کشور، "تصرف" میدان هوایی بگرام از سوی آنان، ترافیک سنگین نظامی ترانسپور هوایی در انجا، و بازگو کردن سهم گیری مشاورین شوروی در عملیات جنگی پرداخته بود. گفته می‌شد که شوروی ها دریافته اند که دخالت نظامی می‌تواند پیامدهای شدیدی در روابط با ایالات متحده، هند، ایران و سایر کشورهای اسلامی داشته باشد. با این حال، از "یک متخصص خارجی" نقل قول نموده بود که می‌گفت "اگر قاعده کلی را قبول کنی که روسها نمی‌توانند از دست رفتن افغانستان را اجازه بدهند، و اگر همچنان پی ببری که موسسات افغان بیش از این امید وار شمولیت یاعی گری نیستند، یگانه نتیجه منطقی احتمالی (باقیمانده) عبارت است از آمدن زورمندانه ی شوروی".⁷¹

در عین حال، در آخرین هفته ماه اگست، پویایی ها استخباراتی ایالات متحده بار دیگر شاهد فعالیت هائی در بعضی از عین نیرو های رزمی شوروی بودند که در طرف مقابل سرحد افغانستان در ماه مارچ فعال بودند. فرقه 5-ام تفنگ دار موتوریزه گارد در کشک بار دیگر بخش (سازه) هایش را به بیرون گارنیزین منتقل نمود. بعضی از واحدهای مادونش - به شمول گردان تانک ها، یک گردان تسلیحات سنگین ضدتیاره، یک بطریه ی خمپاره انداز، و گروهی از لاری ها- در حرکت به سوی یک محوطه خط آهن قریب دیده شده بودند. ارزیابی های استخباراتی حاکی بودند که این رفت و آمد چنان می‌نمایند که مرتبط با یک تمرین آموزشی میدانی باشند، بار دیگر با سهم گیری یک تعداد سربازان ذخیره (احتیاط).⁷²

اجزای فرقه 105-ام هوا برد گارد نیز بار دیگر در یک وضعیتی شناسائی شده دیده شد که معلوم می‌شد آمادگی برای جنب و جوش هوایی باشد. (برعکس فرقه های تفنگ دار موتوریزه، فرقه هوا برد مستقر در اتحاد شوروی در سطوح قریب کامل کارکنان حفظ می‌شدند). فعالیت های واحد های هوایی معلوم می‌شد که شامل آموزش تکنیک های خاص برای بارگیری مهمات در یک نوعی از طیارات بیشتر پیشرفته تر ترانسپورت نظامی از نوع (IL-76) می‌شد در مقایسه با (AN-12) که بطور عادی از سوی این فرقه هوایی مورد استفاده قرار می‌گرفت. این کار باعث برانگیختن سریع نخستین ارزیابی استخباراتی ای شد که اظهار عقیده می‌کردند شوروی ها شاید برای فرستادن عساکر هوایی شان به افغانستان آماده می‌شوند. ارزیابی ها می‌گفتند هدف احتمالی چنین عملیاتی عبارت خواهد بود از دفاع از کابل در یک پیش آمد ناگهانی، شدید با بدتر شدن تهدیدی که پای تخت افغان را فرا بگیرد (بطور مثال، یک عملیاتی در امتداد خطوطی که از سوی بعضی نمایندگان دیپلماتیک در کابل مسلماً فرض کرده می‌شد).⁷³

اکثریت دیدگاه های جامعه استخباراتی ایالات متحده به درجه گذاری شانس یک تحرک (تعرض) نیروهای شوروی به داخل افغانستان همچون امری نا محتمل ادامه میدادند، اما بعضی تحلیل گران بر یک آزمایش (سنجش) بیشتر فعال بدیلها برای عمل مستقیم نظامی پافشاری می کردند. آنها روی تعداد مشاورین نظامی شوروی، دخالت رو به افزایش شان در عملیات های جنگی و لوجستیکی، هئیات پاولوفسکی و فعالیت های مشاهده شده در واحد های شوروی در سرحدات افغانستان به حیث علایمی انگشت می گذاشتند که مسکو تا کنون محدود ای را برای تعهداتش تعیین نه کرده است.⁷⁴

یک اطلاعیه (میمورندم) اخطاریه به تاریخ 14 سپتامبر فرستاده شده از سوی ترنر مدیر استخبارات ستانفیلد عنوانی رئیس جمهور و سایر مقامات ایالات متحده، که منعکس کننده ی این نگرانی بود، هشدار میداد که " رهبران شوروی شاید در آستانه یک تصمیم برای فرستادن عساکر خودشان بخاطر جلوگیری از سقوط رژیم و برای حفاظت متکاهای شان باشند". هرچند، این اطلاعیه همچنان می گفت، که مسکو در برابر بهائی که بطور بالقوه نا محدود نظامی و سیاسی از این نوع داد و ستدهای مخاطره آمیز حاصل می شود، حساس است. بنابراین، اگر شورویها نهایتاً بخواهند نقش نظامی شان را از دیاد بخشند، آنها احتمالاً این کار را فقط بطور تصاعدی انجام خواهند داد- با افزایش تعداد مشاورین نظامی، گسترش دخالت در عملیات های جنگی، و احتمالاً آوردن واحدهای کوچک برای تأمین امنیت در شهرهای کلیدی. بهر حال این اطلاعیه اذعان میکرد که، حتی اگر گسیل (عساکر) ابتدا به گامهای تصادی محدود باشد، شوروی ها در صورتیکه قدم های اولی شان نتایجی را که آنها می خواهند در پی نداشته باشد، احتمالاً تقویت کردن جای پای (میخ) شان را در تحلیل نهائی خطر کرده، مقاومت بیشتر را برای از دیاد گسیل نظامی مشکل خواهند ساخت.⁷⁵ پایان قسمت -5

ادامه دارد....